

عنوان مقاله :

بیمه دام عشایری، سازوکارها و راهبردهای ترویج و آموزش آن

نام و نام خانوادگی: سید محمد رضوی

نام سازمان: مرکز تحقیقات منابع طبیعی وامور دام استان سمنان

تخصص: اقتصادی و اجتماعی

پست الکترونیک: Razavi39@gmail.com

رشته تحصیلی: کارشناسی ارشد علوم اجتماعی

مرتبه علمی: عضو هیئت علمی (مربی پژوهشی)

نام و نام خانوادگی: محمد صادق صیوری

مرتبه علمی: عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

نام سازمان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

تخصص: دکترای ترویج و آموزش کشاورزی

پست الکترونیک: Sabouri5413@yahoo.com

نوع شرکت در کنفرانس: با ارائه مقاله

تلفن مرکز تحقیقات: ۰۲۳۱-۴۴۴۲۵۳۲

تلفن: ۰۹۱۲۵۳۱۲۴۵۷

فاکس مرکز تحقیقات: ۰۲۳۱-۴۴۴۱۶۰۳

آدرس: سمنان - بلوار بسیج - مرکز تحقیقات منابع طبیعی وامور دام استان سمنان - صندوق پستی ۳۱۹-۳۵۱۴۵-کد پستی ۳۵۱۴۷-۵۴۳۷۴

نام محل پژوهش: استان سمنان

چکیده:

بخش دامداری یکی از اقتصادی ترین زیربخشهای وابسته به کشاورزی محسوب می شود که جایگاه ویژه ای در اکثر روستاهای کشور ما دارد و به دلیل وجود شرایط کنترل نشدنی به مانند عوامل جوی، زلزله، بیماریها و در هنگام تولید تأثیر شدید از بازار اقتصادی مربوطه، که معمولاً به ضرر تولید کننده رقم می خورد یکی از مخاطره آمیزترین فعالیتهای اقتصادی به شمار می آید و این قشر بدلیل عدم امیدواری به آینده و اطمینان از درآمد سالیانه خود همواره نگران بازپرداخت وام، هزینه های تولید و حتی زندگی روزمره خود هستند که این امر علاوه بر تحمیل فشارهای جسمی و روحی، امکان تولید بهینه را نیز تحت الشعاع قرار می دهد. وضعیت گفته شده سبب جذب کمتر سرمایه گذاران بخش خصوصی برای سرمایه گذاری و پیشرفت کمی و کیفی وضعیت دامداری می شود. این مشکل زمانی بیشتر بروز می کند که این سرمایه گذاری تحت پوشش عوامل جبرانی نباشد. به دلایل گفته شده بیمه محصولات کشاورزی و دامپروری به عنوان ابزاری برای کاهش ریسک و تقویت انگیزه سرمایه گذاری در بخش کشاورزی و دامپروری مطرح شده است. (سازمان امور عشایری ایران، ۱۳۸۰) بیمه می تواند یکی از اهرمهای توسعه تلقی شود که امکان بقاء و دوام فعالیتهای بخشهای تولیدی را تضمین و حمایت می کند که این امر می تواند تأثیر شگرفی در بهبود زندگی و تولید خیل عظیمی از بهره برداران باشد. این فرایند هم چنین کمک می کند بازارهای آینده با توجه به شرایط دارای خطرپذیری به روی تولیدکنندگان باز شده و آنها را در پویایی ویژه نگه دارد. (Guinvarce & Cordier, 2003)

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل موثر بر پذیرش و عدم پذیرش بیمه دام عشایری و دیگر سازوکارها در استان سمنان به اجرا درآمد که برای دستیابی به عوامل فوق از بین دو گروه پذیرا و ناپذیرای مربوطه تعداد ۲۸۲ نمونه بر اساس ضوابط موجود در نمونه گیری انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی گذشته نگر، توصیفی همبستگی و همچنین علی مقایسه ای می باشد. متغیر وابسته تحقیق، پذیرش و عدم پذیرش بیمه توسط عشایر و متغیرهای مستقل نیز شامل ویژگیهای فردی عشایر (سن، تحصیلات، سابقه اشتغال به دامداری، شغل اصلی و فرعی و ..)، ویژگیهای اقتصادی (تعداد دام، منابع کسب درآمد، میزان درآمد سالیانه از شغل دامداری و...) بود. نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می دهد که پذیرش بیمه دام با سطح تحصیلات، درآمد اصلی از دامداری، رابطه با کانالهای ارتباطی، تماس با کارشناسان در سطح ۵ درصد و میزان تلفات، وام دریافتی، آگاهی از اهداف و فواید بیمه دام نیز در سطح ۱ درصد رابطه دارند و این عوامل باعث پذیرش شده است. آزمون من وایت نی نشان از تفاوت سطح تحصیلات و آگاهی نسبت به بیمه دام و علاقه در انجام بیمه داشت. آزمون t این تفاوت را در تعداد تلفات دام در دو گروه نشان داد. ضریب تغییرات انجام شده میزان تلفات و خسارات، توصیه کارکنان اداره امور عشایری، توصیه بیمه کنندگان، اطلاع از مزایای بیمه، هزینه ناچیز بیمه، پذیرش توسط معتمدین، ارتباط با کانالهای ارتباطی، فشار نزدیکان و خانواده، استفاده از افراد خبره در تعیین خسارت، برگزاری کلاسهای آموزشی، سهولت انجام بیمه و پرداخت غرامت را مبین اولویت بندی علل پذیرش دانست. عدم پذیرش نیز بدلیل طولانی شدن زمان پرداخت خسارت، قوانین دست و پاگیر، بهانه گیریهای متعدد در هنگام دریافت خسارت، عدم پوشش خطرات، عدم تناسب مبالغ پرداختی با اصل خسارت، اطلاع ناکافی از مزایا و فواید بیمه، عدم پرداخت هزینه، مشکلات مهمتر از بیمه کردن و برخورد نامناسب بیمه گران مطرح شد. نتایج حاصل از رگرسیون لوجستیک، آگاهی نسبت به فواید بیمه دام، میزان تلفات، درآمد دامداران، سطح تحصیلات و دریافت وام را تا ۵/۸۳ درصد پذیرش یا عدم پذیرش بیمه دام عشایری تبیین نمود لذا عمده پذیرش بیمه دام به مکانیزمهای علمی علل پذیرش و مزایای بیمه دام معطوف نبوده و لازم است به تسهیل این عوامل توجه بیشتری شود.

$$Y = -8/796 + 2/281(\text{درآمد}) + 1/262(\dots) + 1/309(\text{تلفات}) + 0/463(\text{تحصیلات}) + 0/235(\text{دریافت وام})$$

واژگان کلیدی: بیمه، عشایر، ترویج، آموزش

مقدمه:

زادگاه بیمه کشاورزی، کشورهای اروپایی بوده و سپس در آمریکای شمالی اجرا شده است. متعاقب آن بسیاری از کشورهای در حال توسعه به اهمیت بیمه پی برده و آن را به مرحله اجرا درآورده اند. در قاره آسیا، ژاپن نخستین کشوری به شمار می آید که بیمه محصولات کشاورزی در آن اجرا شده است. در این کشور نیز نخست قانون بیمه دام در سال ۱۹۲۹ و سپس قانون بیمه کشاورزی در سال ۱۹۳۷ و به دنبال آن قانون جبران خسارات کشاورزی در سال ۱۹۴۷ به منظور تقویت بیمه به تصویب رسید. در ایران بیمه اولین بار در سال ۱۲۶۹ هجری شمسی با مذاکرات بین دولت ایران و روسیه در زمینه حمل و نقل آغاز شده و در سال ۱۳۱۴ با تأسیس شرکت سهامی بیمه ایران وارد مرحله جدیدی شد (کریمی، ۱۳۷۸).

تولیدات کشاورزی در معنای وسیع آن یکی از پرمخاطره ترین فعالیتهای اقتصادی است. خطرات اقتصادی در مرحله قبل از عرضه تولید به بازار به مانند نوسانات در قیمت مواد اولیه کشاورزی، مشکل اعتبارات بانکهها، عدم تمایل آنها به پرداخت وام به کشاورزان و بعد از عرضه تولید به بازار به مانند بی ثبات بودن قیمت محصولات کشاورزی و نامشخص بودن سیاست های دولت در مقابل برخی محصولات، نوسانات جهانی در قیمت محصولات کشاورزی، خطرات اجتماعی نظیر دزدی، سرقت از مزارع و باغها، دامها، ادوات کشاورزی، جنگ و آشوب و خطرات طبیعی به مانند خطرات جوی و آفات و بیماریها به مانند سیل، تگرگ، سرمازدگی، گرمزدگی و ... خسارت زیادی را به بهره برداران این بخش وارد می کند. بخش کشاورزی و زیربخشهای وابسته به آن، در اقتصاد کشورهای در حال توسعه به خصوص ایران، به سبب در برگرفتن تعداد زیادی از جمعیت، جایگاه ویژه ای دارد از آنجایی که عمده ذینفعان این بخش، توان مالی محدودی دارند گاه حتی کمترین خسارت ممکن است آنها را از هستی ساقط نموده و شرایط زندگی غیر قابل تحمل و دشواری را بر آنها تحمیل کند.

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش:

خسارتی که به دامداران عشایری وارد می شود از طریق سهمی که تعداد بیشتری از دامداران به عنوان حق بیمه پرداخته اند جبران می شود. از این طریق نه فقط یک شکل گسترده و فراگیر تأمین شکل میگیرد بلکه بقاء و پایداری اقتصادی تولید کنندگان عشایری که با دامنه وسیعی از انواع مخاطرات روبرو هستند تضمین خواهد شد. از اینرو گسترش بیمه محصولات کشاورزی از طریق ساخت بندی یک نظام بیمه کشاورزی یکی از ضرورتهای اصلی و اجتناب ناپذیر توسعه کشاورزی و دامی به شمار می آید.

استفاده از تکنولوژی، ماهیتاً خطرهای بالقوه را به دنبال داشته و مخاطرات را افزایش می دهد و از سویی دیگر نیازمند سرمایه گذاریهای جدیدی با استفاده از اعتبارات می باشد لذا بهره بردار با این تمهید قادر به افزایش بهره گیری از توانمندیهای تکنولوژی حرفه خود خواهد بود و با آسودگی تولیدات خود را افزایش خواهد داد لذا وجود بیمه امکان استفاده از تکنولوژی را که باعث تسریع توسعه روستایی می شود فراهم می آورد و برنامه ریزیهای کوتاه مدت و دراز مدت در توسعه روستایی را امکان پذیر می کند. در ایران اجرای برنامه های بیمه دام عشایری به دو دلیل اجتناب ناپذیر است.

۱- یکی وقوع هر ساله حوادث قهری و طبیعی که به تعداد بسیار زیاد و متنوع انجام خواهد شد.

۲- دیگری ناتوانی دامداران خرد و کوچک که اکثریت جمعیت بهره بردار را تشکیل می دهند در جبران میزان سرمایه آسیب دیده

در بعد اهمیت شکلی بیمه، بیمه محصولات کشاورزی نقش بسیار موثری در دوران گذر از کشاورزی سنتی به کشاورزی تجاری ایفاء می کند که اهمیت آن با توجه به وضعیت مخاطرات اهمیت بیشتری می یابد. وجود کشورما در منطقه ای

خشک و مخاطره دائمی خشکسالی، نزولات جوی ناگهانی و بی موقع، زلزله، سیل، سرمازدگی، یخبندان، تگرگ، آفات، آتش سوزی، تخریب و ... این شرایط را پیچیده تر می کند. عمده اهمیت و ضرورت اجرای این پژوهش، جایگاه و تعداد و ترکیب دام عشایر در استان سمنان می باشد که بعد مهم دیگری از این مطالعه را آشکار می کند.

اهداف پژوهش:

هدف کلی از این مطالعه شناسایی و بررسی عوامل مؤثر بر پذیرش و عدم پذیرش بیمه دام توسط عشایر استان سمنان می باشد. به منظور دستیابی به هدف فوق الذکر اهداف ذیل مورد نظر می باشد.

- ۱- بررسی ویژگیهای شخصیتی عشایر پذیرنده بیمه دام
- ۲- بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر پذیرش بیمه دام در بین عشایر استان
- ۳- بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر پذیرش بیمه دام در بین عشایر استان
- ۴- بررسی نگرش دامداران در خصوص بیمه دام
- ۵- شناسایی مهمترین خسارتهای وارده بر عشایر استان و اولویت بندی آنان
- ۶- شناسایی روشهای استفاده شده و بهترین روش آموزشی، ترویجی در پذیرش بیمه از دیدگاه عشایر
- ۷- شناسایی و اولویت بندی بزرگترین مشکلات و مسائل در عدم پذیرش بیمه یا قطع آن توسط عشایر استان
- ۸- رضایت سنجی از عشایر در خصوص دوره های آموزشی- ترویجی برگزار شده در خصوص پذیرش بیمه

مواد و روشها:

۱- نوع و روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی - توسعه ای گذشته نگر و کمی است در این مطالعه، ویژگیها و شرایط دو گروه عشایر پذیرنده بیمه دام و آنهایی که به دلایل مختلف اقدام به پذیرش بیمه ننموده اند مورد بررسی قرار گرفته و از این طریق به علت های احتمالی پذیرش و عدم پذیرش بیمه دام از سوی عشایر پرداخته می شود. همچنین این پژوهش توصیفی است چرا که نیازمندی به کسب اطلاعات جزئی در روند پژوهش وجود داشته و هدف توضیح سیستماتیک، عینی و دقیق وقایع و خصوصیات جامعه مورد نظر بوده و قصد مستند کردن پدیده های مورد نظر وجود دارد.

۲- متغیرهای تحقیق

در این مطالعه دو دسته متغیر قابل مشاهده و بررسی است

متغیر مستقل: متغیر مستقل این تحقیق که برای بررسی تأثیر و یا ارتباط با متغیر وابسته مورد مشاهده و اندازه گیری قرار گرفته اند عبارتند از

ویژگیهای فردی عشایر مانند سن، سطح تحصیلات، سابقه اشتغال به دامداری

ویژگیهای اقتصادی عشایر شامل مقدار دام، منابع کسب درآمد، میزان درآمد سالیانه از شغل دامداری، میزان وام دریافتی و ویژگیهای اجتماعی عشایر شامل میزان استفاده از کانالها و منابع ارتباطی، میزان ارتباط با کارشناسان، میزان شرکت در کلاسها و دوره های آموزشی، نگرشی نسبت به بیمه دام، میزان آگاهی نسبت به بیمه دام، میزان تلفات دام

متغیر وابسته: متغیر وابسته این تحقیق که به منظور تعیین تأثیر متغیرهای مستقل بر آن مورد بررسی قرار می گیرد پذیرش و یا عدم پذیرش بیمه توسط عشایر استان سمنان می باشد.

۳- فرضیه های تحقیق

مطالعه حاضر دارای ۳ فرضیه عام به شرح ذیل است

الف) بین ویژگیهای فردی، اقتصادی و اجتماعی عشایر از نظر پذیرش یا عدم پذیرش بیمه دام عشایری تفاوت معنی داری وجود دارد.

ب) بین ویژگیهای فردی، اجتماعی و اقتصادی عشایر پذیرنده و پذیرش دام عشایری رابطه معنی دار وجود دارد.

ج) بین ویژگیهای فردی، اجتماعی و اقتصادی عشایر ناپذیرنده و عدم پذیرش بیمه دام عشایری رابطه معنی داری وجود دارد.

۴- جامعه آماری

این تحقیق دو جامعه آماری را در نظر گرفته است

جامعه آماری عشایر پذیرنده بیمه دام

این جامعه شامل عشایری است که اقدام به پرورش گوسفند و بز نموده و در جامعه و از سوی اداره کل امور عشایری استان، عشایر محسوب شوند و تا سال ۱۳۸۵ اقدام به بیمه دام نموده باشند. بر اساس اطلاعات بدست آمده از بانک کشاورزی استان سمنان و اداره کل عشایری جمعیت این جامعه در حدود ۱۴۶۵ نفر می باشد.

جامعه آماری عشایر ناپذیرنده بیمه دام

این جامعه شامل افرادی که همانند افراد فوق الذکر عشایر محسوب شده اما تا سال ۱۳۸۵ اقدام به بیمه دام نکرده اند. بر اساس آمار موجود از طریق بانک کشاورزی و اداره کل عشایری استان سمنان تعداد این افراد نیز حدود ۷۰۰۰ نفر برآورد می شود.

۵- تعیین حجم نمونه

به منظور تعیین حجم نمونه تحقیق، پس از انجام یک مطالعه مقدماتی بر روی تعداد ۳۰ نفر از عشایر پذیرنده بیمه و مشخص شدن واریانس جامعه با استفاده از فرمول کوکران تعداد نمونه مورد نظر برای عشایر پذیرنده و ناپذیرنده، جمعا حدود ۳۲۰ نفر تعیین شد که با توجه به عدم برخی نکات در تکمیل پرسشنامه و مخدوش بودن بعضی از آنها جمعا ۱۴۱ پرسش نامه از هر گروه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

۶- روش نمونه گیری

برای انتخاب نمونه های تحقیق از روش نمونه گیری طبقه ای متناسب و تصادفی ساده اقدام به تعیین نمونه شد. بدین صورت که استان سمنان با توجه به قرار داشتن ۴ شهرستان در آن به ۴ بخش تفکیک شده و به نسبت تعداد عشایر هر شهرستان از هر شهرستان به طور تصادفی نمونه متناسب اخذ گردید. برای انتخاب عشایری که بیمه دام را انجام نداده اند با توجه به گستردگی منطقه با استفاده از شوراهای عشایری، اداره کل عشایری، کارشناسان خبره منطقه و افراد آشنا، این افراد شناسائی شده و به تعداد مساوی با افراد بیمه کننده انتخاب شده و مورد مطالعه قرار گرفتند.

۷- ابزار تحقیق

در این مطالعه به منظور جمع آوری اطلاعات مورد نیاز در مورد شرایط و ویژگیهای عشایر و بررسی دیدگاهها و نظرات آنها در پرسشنامه که یکی از ابزار رایج کسب داده های تحقیق است استفاده شد. لذا برای ۲ گروه دامداران پذیرنده و ناپذیرنده بیمه دام، پرسشنامه های جداگانه ای حاوی تعدادی سؤال باز و بسته در خصوص ویژگیها و شرایط دامداران نظر به ویژگیهای فردی، اجتماعی، اقتصادی، مسائل و مشکلات و ... طراحی گردید. پرسشنامه ها بدلیل شرایط خاص چون بی سواد یا کم سواد جامعه مورد نظر به صورت مصاحبه تکمیل گردید.

همچنین با توجه به عدم رعایت برخی نکات در تکمیل پرسشنامه ها و مخدوش بوده برخی از ابزار تحقیق که شائبه عدم صحت در اطلاعات را ایجاد می کرد پرسشنامه های مخدوش خارج شده لذا جمعاً ۱۴۱ پرسشنامه از هر گروه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

۸- روائی ابزار تحقیق

پرسشنامه مذکور پس از اصلاحات اولیه، توسط جمعی از اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکترا) بازبینی و اصلاح گردید و پس از اعمال اصلاحات وارد مرحله سنجش مقدماتی گردید.

۹- اعتبار ابزار تحقیق

برای اندازه گیری اعتبار یا پایایی ابزار تحقیق از مطالعه مقدماتی پرسشنامه و با روش آلفای کرونباخ استفاده شده که طی آن پرسشنامه در هر دو گروه پذیرا و ناپذیرا تکمیل و کرونباخ محاسبه گردید که آلفای پرسشنامه گروه پذیرا ۸۳ درصد و برای گروه ناپذیرا این مقدار ۸۱ درصد بدست آمد.

۱۰- روش جمع آوری اطلاعات

به منظور جمع آوری اطلاعات از سه روش استفاده شده است. روش اول به منظور بررسی سوابق تحقیق انجام شده که طی این مرحله با مطالعه اسناد، کتابها و ابزار کاهش الکترونیکی چون اینترنت اطلاعات برای طراحی چهارچوب مفهومی تهیه گردید. مرحله دوم اطلاعات در خصوص شرایط بیمه در استان از طریق مصاحبه با کارشناسان بانک کشاورزی، جهاد کشاورزی و اداره کل عشایری استان جمع آوری و به همراه اطلاعات یافته شده اولیه در ایجاد چهارچوب عملیاتی به کار گرفته شد و مرحله سوم اطلاعات نیز به کمک پرسشنامه با سئوالات باز و بسته از دو گروه پذیرا و ناپذیرای عشایر جمع آوری گردید.

۱۱- روشهای آماری مورد استفاده

اطلاعات جمع آوری شده از طریق ابزار تحقیق (پرسشنامه) در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بخش آمار استنباطی نیز برای تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه های تحقیق از آزمونهای مقایسه میانگینها چون t و u من وایت نی (برای دو گروه مستقل)، ضرایب همبستگی و تحلیل رگرسیون به کار گرفته شد.

یافته ها:

همانطور که پیش از این گفته شد مقدار نمونه بدست آمده برای گروه پذیرا حدود ۱۶۰ نفر برآورد گردید که با توجه به مخدوش بودن تعدادی از این پرسشنامه ها تعداد ۱۴۱ پرسشنامه در هر دو گروه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت که در سنجش اول اطلاعات مربوط به آمار توصیفی و سپس به آزمون فرضیات و ارائه آمار استنباطی پرداخته می شود.

بخش اول: آمار توصیفی

۱- گروه پذیرندگان بیمه:

بیش از ۷۰ درصد جامعه آماری سوادمناسبی ندارند. در این جامعه افراد بالاتر از لیسانس نبوده و جامعه با سواد مناسب نیز حدود ۱۴ درصد جامعه را تشکیل می دهند که در مجموع نشانگر سطح پائین سواد جامعه آماری می باشد.

شغل اصلی بیش از ۹۱ درصد جامعه آماری دامداری بوده و از این راه معیشت خود را می گذرانند. تنها ۲/۸ درصد کشاورز و کمتر از ۷ درصد باقیمانده دارای اشتغال دیگر هستند.

درآمد اصلی ۸۳/۷ درصد جامعه پاسخگو از طریق دامداری بوده و با توجه به سطح پایین معیشت باعث شده تا به سمت راههای درآمدزایی دیگر نیز حرکت کنند.

بیش از ۸۶ درصد پاسخگویان فایده بیمه را در حد متوسط به بالا ارزیابی کرده اند و تنها ۱/۴ درصد از افراد پذیرای بیمه از فواید آن هیچ اطلاعی ندارند. حدود ۱۲ درصد نیز آگاهی کمی از فواید بیمه دارند.

بیشترین منبع اطلاع رسانی بیمه مدیریت امور عشایری استان سمنان است که در حدود نیمی از عشایر از طریق آنان آگاه شده اند. پس از آن بیشترین فراوانی متعلق به دامداران بیمه کننده دیگر است. متأسفانه رادیو، مروجین و تلویزیون که باید نقش مهمی در این خصوص ایفا کنند کار مهمی انجام نداده اند. افرادی که گذارتمایل زیادی به ادامه بیمه دارند که ۷۰ درصد جامعه این امر را اذعان کرده اند. ۱/۴ درصد افراد اصلاً علاقه‌ای به انجام بیمه ندارند و در حدود ۶ درصد علاقه کمی به بیمه دارند که باید مشکلات مربوط به این امر حل گردد. در حدود ۲۵ درصد افراد اطلاعی از قیمت بیمه دام ندارند و حدود ۵۰ درصد نیز اطلاع محدودی دارند لذا با توجه به اطلاع حدود ۲۹ درصد افراد در مجموع سطح اطلاع از قیمت بیمه چندان مناسب نیست. تقریباً کلاسی در خصوص بیمه برگزار نشده و احتمالاً افراد دیگر در دیگر کلاسها راجع به بیمه اطلاعاتی را دریافت کرده اند.

۲- گروه ناپذیرای بیمه

بیش از ۸۰ درصد جامعه آماری سطح سواد مناسبی نداشته و بی سواد یا در حد خواندن و نوشتن هستند. فقط حدود ۷ درصد سطح سواد مناسب دارند که نشان دهنده برنامه ریزی خاصی در انجام برنامه های توسعه ای می باشد. شغل اصلی بیش از ۹۵ درصد جامعه آماری، دامدار بوده و تنها کمتر از ۵ درصد جامعه دارای اشتغال دیگر هستند. درآمد اصلی بیش از ۹۶ درصد افراد پاسخگو از راه دامداری بوده و تنها ۴ درصد از راههای دیگر درآمد اصلی خود را کسب می کنند.

حدود ۴۹ درصد جامعه آماری تا حد بالایی از فواید بیمه اطلاع و آگاهی دارند و حدود ۵۱ درصد نیز از این فرآیند آگاهی کمی دارند. بیشترین افراد از طریق دوستان و آشنایان از بیمه اطلاع پیدا کرده، ۲۲ درصد توسط اداره عشایری، ۲۱/۳ درصد نیز توسط بانک کشاورزی، ۱۷/۷ درصد نیز از سایر دامداران بیمه کننده آگاه شده اند. نقش سایر منابع اطلاع رسانی، بویژه رسانه های گروهی در حد بسیار محدود و کوچکی است. بیش از ۶۴ درصد جامعه تمایلی به انجام بیمه ندارند و تنها ۳۶ درصد پاسخگویان تمایل نسبتاً بالایی برای انجام بیمه دارند. هیچ یک از افراد پاسخگو در کلاسهای مربوط به بیمه شرکت نکرده اند.

بخش دوم: آمار استنباطی

آمار تحلیلی که به منظور استنباط از داده های جمع آوری شده انجام می شود در ۴ بخش جدول همبستگی متشکل از آزمونهای پیرسون، اسپیرمن و کرامر، مقایسه میانگین ها در سه سطح آزمون t ، u (من وایت نی) و χ^2 انجام شده است.

مطابق اطلاعات بدست آمده از جدول همبستگی، پذیرش بیمه دام با سطح تحصیلات، درآمد اصلی از دامداری، رابطه با کانالهای ارتباطی، تماس با کارشناسان در سطح ۵ درصد و با میزان تلفات، وام دریافتی، آگاهی از اهداف و فوائد بیمه دام در سطح ۱ درصد معنی دار می باشد.

جهت همبستگیها نشان می دهد که سطح تحصیلات بالاتر، میزان تلفات بیشتر، میزان درآمد بیشتر، درآمد اصلی از دامداری، وام دریافتی بیشتر، آگاهی بیشتر از اهداف و فوائد بیمه، رابطه بیشتر با کانالهای ارتباطی، تماس بیشتر با کارشناسان موجب حرکت بیشتر به سمت پذیرش بیمه دام عشایری شده است. همچنین جدول همبستگی نشان می دهد که عضویت در تعاونی اثری در پذیرش بیمه دام ندارد که دلیل آنرا می توان عمل عشایر به فعالیتهای گروهی دانست که این امر یک فرهنگ مهم در عشایر است به نحوی که هر دو گروه پذیرا و ناپذیرا عضو تعاونی عشایری هستند. شرکت در کلاسها و دوره های آموزشی هم باعث پذیرش بیمه نشده است که دلیل آن می تواند عدم برگزاری کلاسهای آموزشی برای عشایر باشد و عده محدودی هم که در کلاسها شرکت داشته اند مربوط به مشاغل دیگر بوده

است. عشایر از نظر ویژگیهای اجتماعی و نگرش نسبت به بیمه دام نیز تفاوت چندانی نداشته و این امر نیز در پذیرش نقشی ایفا نموده است. سابقه و سن در هر دو گروه تقریباً یکسان بوده و دلیل بر تفاوت رفتاری محسوب نمی شود، در مجموع می توان نتیجه گرفت که ویژگیهای اجتماعی و نگرش در هر دو گروه یکسان است و خوشبختانه نگرش منفی به پذیرش در هیچ یک از دو گروه نسبت به بیمه وجود ندارد.

تفاوت در متغیرهای اندازه گیری شده در مقطع رتبه ای (با آزمون MN) نیز نشان می دهد که در دو گروه از لحاظ سطح تحصیلات، آگاهی نسبت به بیمه و علاقه به انجام بیمه تفاوت معنی داری وجود دارد که تقریباً هر سه متغیر متأثر از سطح دانش و اطلاعات هستند لذا توجه به افزایش سطح آگاهی عشایر از روند صحیح بیمه و فرآیندهای آن می تواند در امر پذیرش حائز اهمیت باشد، دو گروه از نظر نگرش، ویژگیهای اجتماعی و شرکت در کلاسهای آموزشی هم تفاوتی ندارند.

مقایسه متغیرهای فاصله ای هم که با آزمون t انجام شده مبین آن است که میزان درآمد، تعداد دفعات دریافت وام و تعداد تلفات در دو گروه پذیرا و ناپذیرا متفاوت بوده و می تواند عامل مهمی در پذیرش محسوب شود. ضمن آنکه سن و سابقه در دو گروه تفاوتی نشان نمی دهد.

در متغیرهای اسمی که با آزمون کای اسکور تحلیل شدند نیز نشان می دهد که عضویت در تعاونی و شغل فرعی تفاوتی در دو گروه ایجاد نکرده است.

نتایج حاصل از آزمون رگرسیون لوجستیک حاکی است که از بین متغیرهای معنی دار شده در همبستگی، پنج متغیر آگاهی نسبت به فواید بیمه دام، میزان تلفات، درآمد دامداران، سطح تحصیلات و دریافت وام ۸۳/۵ درصد تغییرات پذیرش یا عدم پذیرش بیمه دام عشایری را تبیین می کنند که متغیرهای تحصیلات و دریافت وام در سطح ۵ درصد و مابقی در سطح ۱ درصد معنی دار شدند. متغیرهای مورد نظر به شیوه Forward: Garditional (پیش رونده: شرایطی) وارد معادله رگرسیون لوجستیک شدند لذا می توان معادله پذیرش و یا عدم پذیرش بیمه دام عشایری در استان سمنان را به صورت ذیل نوشت:

(دفعات دریافت وام) $+0.235$ (تحصیلات) $+0.463$ (تلفات) $+1/309$ (آگاهی از ...) $+1/262$ (درآمد) $+2/281$ $-8/796$ $y =$ (پذیرش یا عدم پذیرش) لذا به طور کلی مشخص می شود که عدم پذیرش از سوی عشایر بیشتر به کمبود آگاهی نسبت به فواید و مزایای بیمه دام بوده و می تواند در راستای افزایش این آگاهی از طریق نهادها و رسانه های ذیربط تلاش و کوشش بیشتری نمود. نگرش مساعد عشایر نسبت به بیمه نقطه اتکائی که می تواند در تسریع پذیرش بیمه مورد تأکید قرار گرفته و با فعالیت از سوی متصدیان امر ناآگاهی و کم آگاهی موجود را به عاملی مؤثر در پذیرش تبدیل نمود. از سوی دیگر در سؤالات باز مطرح شده در پرسشنامه عمده پاسخگویان بیمه را ضروری و مهم دانسته اما شرایطی را برای پذیرش خود مطرح نموده اند مثلاً بحث حرام بر کردن حیوان، دوری و مسافت برای انتقال جسد حیوان از بین رفته، عدم پوشش تمام خطرات و مسائل موجود در راه عشایر و دور بودن محل های بیمه از عشایر از مواردی هستند که باعث عدم پذیرش بیمه از سوی عشایر شده است ضمن آنکه مواردی چون پرداخت خسارت به مقدار لازم و کافی، سرعت در پرداخت خسارات، پوشش همه خطرات موجود، استفاده از معتمدین محلی در میزان برآورد خسارت و آموزش فنی به آنان، بازدید سریع و کارآمد از شرایط خسارت، تسهیل قوانین بیمه و وقت گیری کمتر اداری از مواردی هستند که می توانند به پذیرش بیمه منجر شوند.

بحث:

وجود خطر در بخش کشاورزی از بزرگترین دغدغه های کشاورزان در طی دوران تولید از سالیان متمادی بوده و می باشد. عمده حوادث در این بخش به صورت غیر مترقبه و طبیعی می باشد و در کشور ایران از مجموع ۴۰ حادثه طبیعی ثبت شده در دنیا، ۳۱ مورد رخ می دهد و لذا کشور ایران دهمین کشور بلاخیز جهان به شمار می رود. (قلاوند، ۱۳۸۰) بیمه محصولات کشاورزی و دامی یکی از سیاستهای مؤثر دولتی در حمایت از بهره برداران بخش کشاورزی است که می تواند ابزار مهمی در دستیابی به توسعه و سرمایه گذاری در این بخش باشد. اهمیت بیمه در کشاورزی و دامپروری در توسعه و افزایش قابلیتها و توانمندیهای این بخش است.

پیشنهادات:

با توجه به مسائل تحلیل در بخش آمار توصیفی و تحلیلی و همچنین مصاحبه و اسناد مطالعه شده به منظور پذیرش هرچه سریعتر بیمه از سوی عشایر موارد ذیل پیشنهاد می گردد

۱- با توجه به همبستگی بالا و تفاوت معنی دار عامل آگاهی در پذیرش و تفاوت بین دو گروه تحقیق پیشنهاد می شود با استفاده از کلاسها و روشهای آموزشی و اطلاع رسانی اقدام به آگاه سازی جامعه مورد نظر گردد تا پذیرش هرچه سریعتر اتفاق افتد. البته با توجه به سطح پایین تحصیلات جامعه مخاطب بهتر است روش اطلاع رسانی به طریق انفرادی و گروهی بویژه با مساعدت اداره کل امور عشایری و سایر نیروهای انسانی ذیربط انجام شود. ضمن آنکه استفاده از روشهای دیداری نیز می تواند امر آگاه سازی را تقویت نماید.

۲- با توجه به بند فوق و لزوم اطلاع رسانی صحیح به عشایر بهتر است در سطوح دانش، نگرش و مهارت عشایر در خصوص بیمه، مزایا و فرآیند ابتدا نیازسنجی انجام شده، سپس روشهای مناسب شناسایی شده سپس اقدام به برگزاری روشهای آموزشی گردد.

۳- در حال حاضر بیمه دام عشایر توسط بانک کشاورزی و با اجرای شرکتهای خصوصی انجام می شود که البته نتایج تحقیق نشان می دهد عشایر اطلاعات کافی از این امر ندارند. ضمن آنکه مطابق مصاحبه های انجام شده عشایر اطمینان کافی به شرکتهای خصوصی و بانک کشاورزی نداشته و احساس می کنند این دو نهاد به صورت تخصصی آگاهی از شرایط عشایر ندارند. لذا لازم است با استفاده از پیشگامان خود عشایر در قالب شرکتهای بیمه کننده استفاده شود.

۴- باتوجه به اینکه از پلاک جهت علامتگذاری دامهای بیمه شده استفاده می شود برخی از خطرات پیش راه وهمچنین نوع حرکت دام و... باعث مفقود شدن پلاک می شود که این امر باعث تضییع حقوق عشایر می شود لذا پیشنهاد می گردد در این خصوص یک تفاهم بین عشایر و عاملین بیمه انجام شود تا هم اطمینان لازم ایجاد شود و هم حقوق عشایر از بین نرود.

۵- باتوجه به عدم اطلاع کافی عشایر از عملیات اجرائی بیمه، مزایا و فواید آن و عدم انتقال اطلاع لازم از طریق عاملین بیمه به عشایر و با توجه به اینکه عشایر عمده اطلاعات خود را از دامداران، معتمدین، کارکنان امور عشایری و... دریافت می کنند بهتر است تعدادی از این طبقات به طور تخصصی آموزش دیده و اطلاعات لازم را به عشایر منتقل کنند.

۶- کمبود تعداد کارگزاران بیمه و لذا وقت گیری زیاد مراحل بیمه و عدم دستیابی برخی عشایر به کارگزاران امری است که در سئوالات باز عشایر اشاره شده لذا پیشنهاد می گردد تا با تناسب بخشی بین تعداد کارگزاران و عشایر، شرایطی فراهم گردد تا هم در تعیین و پرداخت خسارت و هم در فرآیند بیمه گذاری تسریع شده و تمایل بیشتری بر آن ایجاد گردد.

۷- مجموع فعل و انفعالات بیمه و مشکلات مطرح شده توسط بیمه گذاران نشان می دهد که می باید یک باز طراحی مناسب در امر انجام بیمه و سایر شرایط و فرآیند بیمه انجام شود چراکه عشایر از لحاظ نوع کار با سایر اقشار متفاوت بوده لذا نیاز به طراحی نظامی مناسب برای انجام این امر دارند.

۸- بسیاری از عشایر معتقدند در پرداخت خسارت بهانه تراشیهایی متعددی می شود مثلاً در برخی موارد پرت شدن حیوان از کوه باعث عدم دستیابی به لاشه و برداشت پلاک می شود و یا برخی حمله وحوش به حیوانات در قالب درگیری و ... تلقی می شود که پیشنهاد می گردد علاوه بر دامپزشک موظف به انجام گزارش بهتر است یکی از معتمدین مورد تأیید عشایر نیز امکان اظهار نظر داشته و از حقوق عشایر دفاع نماید.

۹- با توجه به اختصاص اولویت پایین رضایت از کارکنان بانک، سرعت پرداخت خسارت و وقت گیری بیمه بهتر است به منظور تسهیل شرایط بیمه و عدم پذیرش بیمه گذاران به افزایش کیفیت خدمات نهادهای ذیربط توجه شود که قطعاً این امر می تواند با آموزش و تغییر در نگرش و مهارت‌ها بهبود یابد.

۱۰- همانطور که نتایج مطالعه نشان داد بیشتر کانال ارتباطی بین عشایر در خصوص پذیرش بیمه، کانالهای ارتباطی بومی مانند دامداران با تجربه، معتمدین محلی و ... می باشند لذا پیشنهاد می شود در امر آگاه سازی از نهادهای مؤثر مانند شوراهای روستایی و عشایری، معتمدان محلی، تعاونیها، اتحادیه های دامداران و مرتعداران و سایر ارگانهای مرتبط به نحو مؤثر و مناسب استفاده شود.

۱۱- کلاسها و دوره های آموزشی به حدی کم اجرا شده که می توان گفت هیچ کلاس و دوره آموزشی برای عشایر برگزار نشده این درحالی است که کلاسها و دوره های آموزشی نقش مهمی در توانمندی و افزایش ظرفیت انسانی عشایر دارند. لذا پیشنهاد می شود جهت انجام آموزشهای لازم و مورد نیاز عشایر می باید تلاش بیشتری از سوی نهادهای ذیربط گردد که طبعاً اثرات مناسب آن متوجه کل کشور خواهد بود.

فهرست منابع:

- ۱- سازمان امور عشایری ایران. (۱۳۸۰). بیمه دام عشایری. تهران: دفتر بهسازی تولید، مشارکت مردمی و امور تعاونیها
- ۲- قلاوند، کیانوش. (۱۳۸۰). عوامل مؤثر بر پذیرش بیمه محصولات کشاورزی در بین کشاورزان استانهای تهران و مازندران. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۳- کریمی، آیت. (۱۳۷۸). کلیات بیمه. چاپ چهارم. تهران: انتشارات بیمه مرکزی ایران.
- 4- Guinvarce, M, Gordier.J & Janssen, J. (2003). Management of agricultural Orop Insurance. Contracts: A theoretical strategy. Available in www.euria.infini.fr/recherche.

Insurance of tribal animal: mechanisms and methods for its training and extension

Seyad mohammad Razavi

Member of scientific board at Natural resources and Livestock Affairs Research Center of

Semnan province

Mohammad Sadegh Sabouri

Member of scientific board university of Islamic Azad Garmsar

Abstract

Animal husbandry section is one of the most economic subset related to the agriculture, that has a special role in most of our villages in Iran and because of uncertainties such as atmospheric factors, earthquakes, diseases and in period of production and impacts of related economic market that usually impose losses to producers, are remarked for the most dangerous economic actions. This group cause certain distortion to the future and assurance of farmers' annual income, and always worried to settle their debits, production costs, routine livelihood. This process in addition to impose physical and mental pressures, sometimes surpasses the possibility of best production. Aforementioned situation has made fewer capitalists be attracted to private sector for investment and quality progression of animal husbandries. This challenge further intensifies when observes that such capitalization may not be covered and supported by compensation factors. With the mentioned reason, insurance of agriculture and animal husbandry products mooted as tools for reduction of risk and support of motivation to invest capital in the agriculture and animal husbandry fields (National Nomadic People Organization,1380). Insurance can be an extension business that guarantees and supports survival and continuity of actions in production sectors and it has the highest impacts in livelihood improvement of many holdings. This process helps future markets open with regard to the risky situation faced by producers (Guinvarce and Cordier, 2003). The present research is carried out to identify effective factors on adoption and non-adoption of tribal animal insurance in Semnan province. In order to reach the mentioned factors, a sample of 282 nomads from two groups (adopters and non-adopters) selected according to existing methods. This research is an applied research and causal comparative (ex-post facto) research. Dependent variable in this research, contains adoption and non-adoption of insurance by tribes and independent variables included: nomads' personal

characteristics (age, education, occupational background in animal husbandry, major and subsidiary jobs, ...), economic characteristics (number of animals, the amount of annual income from animal husbandry, etc.), and social characteristics (the use of communicative channels and sources, contact with experts, awareness of animal insurance,...). The results obtained from correlation analysis showed that the adoption of animal insurance was related to educational level (5%), income from animal husbandries, and contact with communicative channels ($p=0.05$) and also it was related to losses rate, received loan, awareness of benefits and purposes of animal insurance ($p=0.05$). Mann-Whitney test showed that there were significant differences between two groups on education level and awareness of animal insurance, and eagerness to insurance. T-test also showed that there were significant differences between two groups on number of lost animals in two groups. The following variables were effective on the adoption: the coefficient of changes of the rate of losses, recommendations of tribes Nomadic People Organization, low expense of insurance, adoption by reference men, exposure to communicative channels, the pressures of families and relatives, consulting experts in determining losses, performing instructional sessions, easiness in reparations payment and doing insurance. The non-adoption was due to protracting the time of loss payment, troublesome laws, make pretext at the time of receiving loss, uncovering dangers, disproportion between paid amounts and the original losses, inadequate information on benefits of insurance, lack of payment expenses, difficulties, insurance officers, and unsuitable behaviors. The obtained results of logistic regression revealed the awareness of the benefits of animal insurance, the rate of losses and animal farmers' income, educational level, and received loan had up to 83.5% of adoption or non-adoption of animal insurance. Therefore, the main reasons behind adoption of animal insurance is not connected to scientific mechanisms of adoption and benefits of animal insurance, and it is necessary to concentrate more on facilitating of the mentioned factors.

(adoption or non-adoption) $Y = -8.796 + 2.281$ (income) $+ 1.262$ (information on insurance) $+ 1.309$ (losses) $+ 0.463$ (education) $+ 0.235$ (numbers of received loan)

Key words: Insurance, Extension, Education, Nomads